

# با عکاسان سینما و تئاتر



این شماره

مجید خمسه - عکاس سینما و تئاتر

□ آقای خمسه کمی از خودتان و سابقه کارتان بگویند.

■ مجید خمسه متولد ۱۳۴۳ و فارغ‌التحصیل رشته عکاسی از دانشکده هنرهای زیبا هستم. با تئاتر در دوران دبیرستان آشنا شدم. و عکاسی تئاتر را در دوران دانشجویی تجربه کردم. از ابتدای ورود به دانشکده به خاطر علاقه خاصی که به تئاتر از گذشته داشتم، همواره در کنار دانشجویان نمایش بودم و از اغلب کارهای آنها عکاسی می‌کردم. در واقع نکالیف کلاسی خودم را هم به همین سمت سوق می‌دادم و حتی موضوع پروژه و رساله نهایی که برای فارغ‌التحصیلی ارائه کردم «عکاسی از تئاتر» بود که حاصل تجربیات پنج ساله‌ام در این زمینه بود. در این دوران از حدود صد نمایش دانشجویی و حرفه‌ای عکاسی کردم که حاصل آن برپایی سه نمایشگاه در این زمینه و شرکت در دو دوره مسابقه سراسری عکاسی تئاتر بود که در دوره اول رتبه سوم و در دوره دوم رتبه اول را کسب نمودم.

□ در زمینه عکاسی فیلم چه کارهایی انجام دادید؟

■ در هر حرفه‌ای برای تثبیت شدن و گاهی برای شروع آن احتیاج به صبر و بردباری و ریاضت کشیدن فراوان است. برای شروع کار در سینما این مشکل را داشتم که در این زمینه قبلاً کار نکرده بودم. حتی به عنوان نمونه کار بهترین عکاس‌های تئاتری که داشتم، قبول نداشتند. در واقع تجربه عکاسی از صد نمایش و موفقیت در شش هفت نمایشگاه عکاسی و حتی تحصیل در این رشته مجموعاً به اندازه عکاسی یک فیلم برای من معرف نبود. به هر حال در این زمینه تاکنون سه کار انجام داده‌ام. اولین آن چهارشنبه عزیز کار آقای حمید تمجدی بود. در این فیلم به خاطر آنکه اولین کارم در این زمینه بود، کارگردان فیلم با نگرانی، خودش نیز عکس می‌گرفت. فیلم بعدی کودکانی از آب و گل کار آقای عطالله حیاتی بود که در آن تجربه زیادی کسب کردم. و اخیراً نیز فیلم بوی خوس زندگی کار آقای ابوالحسن داودی را عکاسی کردم.

□ در چه زمینه‌های دیگری عکاسی می‌کنید؟

■ بیشتر به عکاسی مستند اجتماعی و خوری علاقمندم و تجربیاتی که در زمینه عکاسی تئاتر به دست آوردم در این زمینه بهترین استفاده را می‌کنم. زیرا کار ما بازیگران و دادن فرم و حالت خاص به آنها و کاربرد نور موجود به بهترین وجه ممکن در تئاتر، این امکان را به عکاسی می‌دهد که در عکاسی اجتماعی با مردم راحت برخورد کند. موفق‌ترین عکس‌های من در این زمینه عکس‌هایی هستند که در آنها جای ترکیب‌بندی‌ها و میزاسن‌های تئاتری دیده می‌شود. البته هیچکدام از این دو موضوع یعنی عکاسی تئاتر و عکاسی مستند اجتماعی جایگاه خاصی ندارند تا به عنوان یک حرفه به آنها نظر داشت. حتی در نمایشگاه‌ها و مسابقات عکاسی که سوژه را آزاد اعلام می‌کنند با موضوع مستند اجتماعی خیلی محتاطانه برخورد می‌کنند و بیشتر به عکس‌های انترزاعی اهمیت می‌دهند که اغلب ما هم مثل داوران چیزی از این نوع عکس‌ها سر در نمی‌آوریم فوراً آنها را تأیید و تحسین می‌کنیم. در زمینه عکاسی تئاتر هم تنها در دوره مسابقه توسط مجله نمایش برگزار شد و دیگر برگزار نشد. در واقع دو موضوع عکاسی تئاتر و عکاسی اجتماعی ظاهراً نه دنیا دارند و نه آخرت. به همین خاطر پس از فارغ‌التحصیل شدن و جدی‌تر شدن کار و زندگی به سراغ حرفه‌ای رفتم که با علائق و سوابق کاریم هماهنگی بیشتری داشت یعنی عکاسی از فیلم ضمن آنکه همچنان حداقل برای خودم به آن دو موضوع گوشه چشمی دارم و گاهی به سراغشان می‌روم.

□ اشاره کردید که عکاسی تئاتر به عنوان یک حرفه شناخته شده نیست.

علت آن چیست؟

■ فکر نمی‌کنم که این مسئله زیاد احتیاج به توضیح داشته باشد. برخلاف آنچه که ادعا می‌شود این قضیه هیچ ارتباطی با مهجور و فقیر بودن تئاتر ندارد. در طی چند سال اخیر ما شاهد اجراهایی بودیم که خرج‌های کلانی برای آنها شده و در واقع کارهایی تماماً حرفه‌ای و پر بار حداقل از نظر اجرا به صحنه رفته است. اما در این نمایش‌ها نیز عکاسی تئاتر جایگاهی نداشته است. نه در ویتترین سالن‌ها عکس از نمایش بود و نه در بروشورهای آن نامی از عکاس. من خودم تمام تئاترهایی را که عکاسی کردم یا دوستانه بود یا برای تجربه خودم و یا بر اساس وعده و وعیدهای بی‌اساس، به هر حال ضرورت این کار را باید مسئولین و کارگردان‌های تئاتر احساس کنند. من خودم سعی‌ام را در این زمینه کرده‌ام. اما مشکلات زندگی و افزایش روز افزون قیمت مواد خام عکاسی باعث شده فعلاً در برابر وسوسه عکاسی تئاتر صلواتی بیشتر مقاومت کنم.

□ نقش عکاسی تئاتر در پیشرفت تئاتر را چگونه می‌بیند؟

■ البته اگر فیلمبرداری ویدئویی از تئاتر که اخیراً باب شده را در نظر بگیریم. عکس تنها بازمانده تئاتر است. به نظر من همین یک مورد کفایت می‌کند که به عکاسی تئاتر یک مقدار مهربانتر نگاه شود. گاه پیش می‌آید که بعد از چند سال دوستی که از نمایش آنها عکاسی کرده‌ام به دنبال تنها مدارک باقی مانده از

نمایش و سیدکاری به سراج عکس‌های می‌می‌آیند. اما جدا از این قضیه یکی از مسائل که در بهت‌ناظر اهمیت چشمگیری دارد، استعمال مردم از ناظر است. مردم هم از نمایشی استعمال می‌کنند که ما آن ارتباط برقرار کنند. یک عکس خوب از ناظر در آفتاب تبلیغاتی آن و یادگار نقدی از آن که در نشریات به چاپ می‌رسد اوئس زمینه ارتباط نمایش با مردم است. از طرفی دیگر همانطور که در همه جای دنیا مرسوم است و حتی در ناظرهای لاله‌زاری رعایت می‌شود، مانند سینه‌ها عکس در وترین سائن ناظر باید باشد تا یک ارتباط اولیه بین ناظر و نمایش از طریق عکس‌ها برقرار شود. ناظری که عکس‌های مثبوتی از آن در وترین کنار گیشه نصب شده مطمئناً ناظر بختی جذب خواهد کرد تا ناظر بدون عکسی که برای ناظر مقل مثل مشت بسته می‌ماند. مسلم است، تنها کسانی به دیدن این کارها می‌روند که شناخت کافی از آن نمایش و گروه اجرا داشته باشند.

تفاوت عکاسی در ناظر و سینه چیست؟

تفاوت بیشتر در نحوه کار است. تنها عکسی در سینه عکس واقعی فیلم است



